

# پدران و مادران و دوران بلوغ بچه‌ها

## اختلاف و شکایت بین اولیا و جوانان از سالهای بلوغ آنها ناشی می‌شود



کنند که اگر با روحیات و عوالم زمان بلوغ در زمان حاضر زندگی میکردند چه حالی داشتند آنوقت است که پی به مشکلات فرزندان خود میبرند .

### اشتباه دوم : بلوغ و

تمایلات جنسی- بلوغ تنها تکامل جنسی نوجوانان نیست و کسانی که بلوغ را فقط از نظر تمایلات جنسی نوجوانان می‌نگرند دچار اشتباه بزرگ میشوند . برای دختران و پسرانی که بسن بلوغ میرسند فقط مسائل جنسی مطرح نیست بلکه مسئله مهمتری که مورد توجه آنها واقع می‌شود استقلال است . بنا براین پدران و مادرانی که فرزندان در این سنین دارند باید توجه داشته باشند که آنها خود بخود و بطور طبیعی دارای افکار دیگری شده‌اند و دارند شخصیت و موجودیت پیدا می‌کنند و علاقه زیادی به استقلال دارند

که ما خودمان این دوره را گذرانده‌ایم ولی آنها توجه ندارند که دوران بلوغ خود را در عصر و زمانی گذرانده‌اند که بکلی با عصر کنونی اختلاف دارد ، دنیای کنونی با دنیای ۲۰ تا ۳۰ سال قبل که آنها دوران بلوغ خود را طی میکردند بکلی تفاوت کرده است و نوجوانان امروزی با محیط کاملاً جدید و با پدیده‌های تازه‌ای مخصوصاً از نظر وسایل ارتباطات جمعی روبرو هستند . بنابراین ما نایستی نسبت به فرزندان خود که در دوران بلوغ هستند متعابلاً همان رفتاری را بکنیم که پدران و مادران ما در ۲۰ یا ۳۰ سال قبل میکردند .

پدران و مادرانی که فرزندان در سن بلوغ دارند قبل از هر چیز باید مقتضیات زمان حاضر را در نظر بگیرند و پیش خود مجسم

قسمت عمده اختلافاتی که در سالهای اخیر بین نسل جوان و بزرگسالان بوجود آمده و هر چه پیش می‌رویم نیز بر آن افزوده می‌شود از عدم تفاهمی سرچشمه می‌گیرد که در سنین بلوغ نوجوانان میان آنها و پدر و مادرها ایجاد می‌شود ، و این عدم تفاهم نیز ناشی از تصورات اشتباهی است که بزرگترها نسبت به دوران بلوغ نوجوانان دارند ، دانشمندان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی این اشتباهات را در ده مورد بشرح زیر پیدا کنند که اگر بزرگترها و مخصوصاً پدران و مادران توجه کنند شاید هرگز میان آنها و فرزندان شان سوء تفاهمی بوجود نیاید :

### اشتباه اول : اختلاف

دوران بلوغ - عده‌ای تصور می‌کنند که از گرفتاریهای دوران بلوغ مطلع هستند و می‌گویند



و بهمین جهت هم در این مواقع اگر میخواهید بآنها کمک کنید باید از دستور دادن و فرمان دادن های گذشته خود-داری کنید زیرا بچه ها از این به بعد فرمانبرداری و اجرای دستورات را دوست ندارند بلکه با سیاست باید با آنها رفتار کرد .

### اشتباه سوم: بلوغ و بچگی -

عده ای از پدران و مادران نمیخواهند باور کنند که فرزند آنها در دوران بلوغ دیگر بچه نیست و وارد مرحله دیگری شده است و به همین جهت هم همان روشی را که سابقاً نسبت باو داشته اند ادامه میدهند و در نتیجه آنها بدون آنکه خواسته باشند ، به یک جنگ وجدال با نیروی مقاومت درونی بلوغ فرزند خود کشیده میشوند . کودکی که وارد مرحله دیگری از زندگی خود شده و استقلال میخواهد نمیتواند روش پدر و مادر خود را که با او مانند یک بچه و کودک رفتار می کنند تحمل کند و اینست که شروع به سرکشی و عناد میکند ، و زندگی را بر خود و پدر و مادر تلخ می کند .

### اشتباه چهارم : بلوغ

و جسارت - بچه ها در دوران بلوغ رفتاری پیدا می کنند که پدران و مادران، آنرا حمل

بر جسارت و پرونی آنها- می کنند . مثلاً دختره ۱۵ ساله ای به پدر خود میگوید : بابا تو اگر واقعاً مادرم را دوست داری پس چرا با هر دختر و یا زن خوشگلی که در خیابان برخورد میکنی برمیگردی و او را نگاه می کنی ؟

پدر در جواب این بچه میگوید این موضوع بتو چه ارتباطی دارد و اصلاً چطور یک دختر بخواهد اجازه میدهد که با پدرش اینطور صحبت کند ! از این قبیل سوال و جوابها متأسفانه بین بچه ها و پدر و مادرهایشان دیده شده

است و پدران و مادران آنرا حمل برجسارت و پرروئی بچه‌های خود کرده‌اند، حقیقت اینست که اینگونه سؤال و جوابها البته در دوران گذشته جسارت و پرروئی بود ولی متأسفانه اکنون با سابق خیلی فرق کرده است و بچه‌هایی که این سئوالات را می‌کنند واقعاً قصد پرروئی و جسارت ندارند بلکه میخواهند نظر خود را بگویند، از پدر و مادر خود انتقاد کنند و آنها را بهتر بشناسند، در این مورد بهترین کار اینست که پدرها و مادرها بجای پرخاش به بچه‌ها، جواب آنها را بسادگی بدهند و سعی کنند که علت اقدام خود را توجیه کرده و آنها را متقاعد نمایند بنابراین پدران و مادران در این سنین از انتقاد فرزندان خود نباید برنجند و ناراحت شوند.

**اشتباه پنجم: تسلیم بچه‌ها نشوید** - عده‌ای از پدران و مادران فکر می‌کنند برای جلب رضایت بچه‌ها باید کاملاً تسلیم آنها شوند همه حرف‌های آنها را تصدیق کنند و حتی مانند آنها لباس پوشیده و سر و وضع خود را آرایش دهند و حال آنکه اینکار درست نیست و آنها رادر نظر فرزندان خود، کوچک

می‌کند، اگر پدر و مادری بعقیده خود حرف یا کار نادرستی از فرزند خود دیدند می‌توانند با ملایمت نظر مخالف خود را با اظهار کنند و دلایل خود را بگویند مثلاً اگر دختر شما خواست یک ژاکت نامناسبی بخرد و آنرا انتخاب کرد و شما مخالف آن بودید لازم نیست که او را برای خوشایندش صد درصد تأیید کنید، بلکه می‌توانید بگوئید بعقیده من این ژاکت این معایب را دارد حالا اگر یازهم آترادوست داری می‌توانی بخری.

**اشتباه ششم: بلوغ و آموزش** - دوران بلوغ بهترین زمانی است که بچه‌ها می‌توانند درس بخوانند زیرا نیرو و استعداد فکری آنها در این سنین یکمرتبه تکامل و پرورش پیدا می‌کند ولی اشتباهی را که نباید کرد اینست که از بچه‌ها فقط توقع نباید داشت که درس بخوانند بلکه باید بانها مجال داد بامور دیگر هم برسند، تفریح و ورزش در این سنین برای بچه‌ها خیلی لازست و از آن مهتر بچه‌ها در این موقع احتیاج زیادی به مصاحبت با بزرگترها دارند تا از تجربیات زندگی آنها مطلع شوند و بعدها بتوانند از این تجربیات در زندگی خود

استفاده کنند. بنابراین به کودکان درسین بلوغ خود فرصت کافی برای این کارهای لازم نیز بدهید.

**اشتباه هفتم: زمان بلوغ** - بعضی از پدران و مادران تصور می‌کنند که اگر فرزندان آنها زودتر از وقت معمول بالغ شود، از نظر هوش، استعداد و فراگیری عقب خواهد افتاد در حالیکه آنها در اشتباه هستند و دانشمندان روان‌شناسی ثابت کرده‌اند که کودکان هر قدر با هوش‌تر و با استعدادتر باشند زودتر هم بالغ می‌شوند. معمولاً سن بلوغ در دختران بین ده تا شانزده سالگی است و سن بلوغ در پسران بین یازده و نیم تا اگر بلوغ پسرو یا دختر شما دیر یا زود شد درباره میزان فکر و شعور و استعداد اونگران نباشید.

**اشتباه هشتم: وحشت از جنس** - علاقه و تمایل زیادی که پسرها و دخترهای اسروزی به لباس پوشیدن و آرایش مشابه یکدیگر دارند موجب نگرانی پدرها و مادرهای شود، اسروزه همه ما با این پدیده‌ها زیاد روبرو می‌شویم: پسرهایی که درست مانند دخترها لباس سی پوشند و دخترهایی



مخالفی می‌شوند که کامل باشد یعنی دخترها مردی را می‌پسندند که لباس زنانه نبوشیده و کاملاً مرد باشد و پسرها دخترهائی را که کاملاً آرایش زنانه داشته باشند .

بنابراین پدرها و مادرها، زیاد بتصور اینکه فرزندانشان منحرف شوند نباید آنها را از نظر لباس و آرایش تحت فشار بگذارند .

### اشتباه نهم: محدودیت

بزرگترین اشتباهی که پدرها و مادرها در مورد دختران در سنین بلوغ خود ممکن است بکنند اینست که آنها را بخاطر جلوگیری از انحراف، زیاده از حد محدود کرده و در حقیقت در خانه زندانی نمایند و کارهائی را که بطور معمول همه دختران می‌کنند بآنها اجازه ندهند . در این مورد باید گفت که محدودیت نتیجه عکس میدهد و دختران و پسران محدود ،

بیشتر منحرف شده‌اند. بلکه جلوگیری از انحراف فقط با روشن کردن ذهن نوجوانان امکان دارد و باید پدر و مادرها سعی کنند که خود را با صحبت و نصیحت نسبت بحقایق زندگی آگاه کنند و بعد آنها را بحال خود بگذارند ، بدین

بقیه در صفحه ۴۱۰

نباید وجود داشته باشند و پسرها و دخترها امروزه تحت شرایط محیط برای آنکه بیکدیگر نزدیک شده و جلب اعتماد هم را بکنند، تصور می‌نمایند که باید یک شکل و شبیه هم لباس بپوشند ولی بعدها، آنها خود بخود رویه و رفتارشان تغییر می‌کند و هریک خواهان جنس

که کاملاً شبیه پسرها هستند و آنها را از یکدیگر نمی‌توان تشخیص داد ، پدرها و مادرها در آینده فرزندان خود نگران می‌شوند که آیا آنها بعدها چه وضعی پیدا خواهند کرد و یک زن یا مرد کامل خواهند شد؟ در این مورد روان‌شناسان معتقدند که هیچ نگرانی

## استادان غیر ماهر

آقای دکتر قاسمی ، معتقد بود که بین استاد و دانشجو تفاهم وجود دارد و اگر عدم تفاهمی بوجود بیاید بین کادر اداری و سازمان دهندگان و دانشجویان ، و آنهم نوعی درگیری های مقرراتی است که دانشجو را عصبانی میکند ، وگرنه در محیط کلاس روحانیتی وجود دارد که اگر استاد صاحب صلاحیت باشد ، عدم تفاهم پیش نخواهد آمد . خصوصاً که اجتماع ما هنوز روی سنت های اخلاقی و معتقدات مذهبی و احترام استاد و دانشجو پابرجاست و موجی که در غرب وجود دارد ، هنوز بکلاسهای ما وارد نشده است .

خانم دکتر پیدل اعتقاد داشت که متأسفانه عده ای که پس از تحصیلات متوسطه بخارج میروند و تحصیلات عالی خود را در آنجا پایان میسرسانند ، در بازگشت بی آنکه با حرفه استادی آشنائی داشته باشند آنان را بعنوان استاد بکلاس میفرستند و این گروه خصوصاً بشصورت اینکه اگر با معلومات متوسط درس بدهند ممکنست به پرستیژشان لطمه بخورد ، درحد بالا صحبت می کنند و همین امر موجب دلزدگی دانشجو و ایجاد عدم تفاهم میشود . درحالیکه این استادان سیبایست با علوم تربیتی و روانشناسی هم آشنائی داشته باشند .

## کلاس مخصوص ص برای استادان

برای خانم سوسن اکرامی این پرشش مطرح بود که آیا ضابطه ای برای تعیین استاد وجود ندارد ؟ .... در پاسخ ایشان آقای دکتر عظیمی گفت « خیر ، درحالیکه در سابق

دانشکده ها دانست . آقای دکتر بحرالعلومی در پاسخ اظهار داشت کسانی که سیستم جدید نمره دادن ، یعنی گروه بندی الف ، ب ، ج و ... را توجیه کرده اند ، منظورشان نمره دادن نبوده ، بلکه مطالعه ورقه دانشجو و طبقه بندی بوده است ، آقای دکتر عظیمی نیز با اشاره به این سیستم در آمریکا اظهار کرد در آمریکا که این روش نمره گذاری رعایت میشود برای آنست که آنچه دانشجو روی کاغذ می نویسد ، ملاک نیست . بلکه نگاه میکنند در طول سال دانشجوی چه کارهایی کرده است و استاد این کارها را برآورد میکند و دانشجو را در گروه های مختلف میگذارد . آقای دکتر عظیمی معتقد بود که نباید بدانشجو برای حضور در کلاس نمره داد ، اما برای دانشجوی ایرانی میبایست بخاطر شرکت در کلاس یک حدنصاب قائل شد زیرا عده ای ترجیح میدهند وقت خود را در خانه و یا تریاها بگذرانند . آقای دکتر قاسمی با اشاره به اینکه قصد دفاع از سیستم فعلی نمره دادن نیست اظهار داشت که از سیستم قبلی تجربه تلخی داشته ایم ، و در آن زمان دانشجو تنها سعی میکرد برگی بدست استاد بدهد که او را وادار به نمره دادن کند و استاد هم بموجب آن برگ مجبور بود نمره بدهد ، و اینکه سیستم قدیم را تغییر دادند ، منظورشان این بوده است که ملاک تشخیص استاد باتوجه به حضور و غیاب ، کیفیت رفتار و کار و عمل دانشجو در طول سال باشد . اما در کیفیت اجرا نقض غرض شد .